



ملاصدرا سازگاری دلنشینی بین وحی، عقل و عرفان ارائه کرده است

حجت الاسلام امینی نژاد گفت: در سنت غربی بین حوزه‌های مختلف شناختی تناقض وجود دارد و عقل یک راه و دل یک راه دیگر و وحی راه دیگری را پیشنهاد می‌دهد، ولی ملاصدرا تلائم دلنشینی از فضای وحی، عقل، کشف و عرفان را ارائه کرده است.

حجت الاسلام امینی نژاد گفت: در سنت غربی بین حوزه‌های مختلف شناختی تناقض وجود دارد و عقل یک راه و دل یک راه دیگر و وحی راه دیگری را پیشنهاد می‌دهد، ولی ملاصدرا تلائم دلنشینی از فضای وحی، عقل، کشف و عرفان را ارائه کرده است.

سیدیدالله یزدان پناه به گزارش ایکنّا، «ظرفیت‌های حکمت‌صدرای در تربیت معنوی» امروز سه شنبه ۲ خرداد با حضور حج اسلام سیدیدالله یزدان پناه و علی امینی نژاد، استادان فلسفه حوزه علمیه، از سوی مجمع عالی حکمت اسلامی برگزار شد.

در ابتدای این نشست حجت الاسلام یزدان پناه با تأکید بر تأثیر فلسفه ملاصدرا در تربیت عارفان فیلسوف به احوالات ملاعلی نوری اشاره کرد و گفت: ایشان به سبب عمر طولانی خود توانست چند نسل فیلسوف تربیت کند و خودش هم یک شخصیت عرفانی است؛ او فلسفه صدرا را خواند. اگر کسی در این زمینه محقق و متخصص باشد، تشنگی معنوی بسیاری خواهد داشت. ملاعلی نوری مراحل را طی کرد و به جایی رسید که گفت صحبت ذکر نیست و من باید ذکر شوم و صاحب مکاشفاتی شد که در تاریخ بیان شده است.

وی با بیان اینکه حتی کسانی مانند ملاقلی همدانی را می‌شناسیم که صدرای ولی عارف هستند، افزود: بنابراین به لحاظ تاریخی از صدرا تاکنون به صورت بلافصل عرفایی پدید آمده‌اند و بعد از صدرا با با عرفایی مواجه هستیم که تشنگی علمی و معنوی داشته‌اند و فلسفه صدرا کاری کرده است که امروزه عملاً همه مطالب صدرا استحصال شده است و اگر کسی آن را بخواند، وارد سلوک خواهد شد. آیت الله حسن زاده آملی فرموده‌اند که با حلوا حلوا کردن دهان شیرین نمی‌شود و باید درس بشنوید و حرف بشنوید و وارد این وادی شوید تا به عرفان برسید و فلسفه ملاصدرا با تبیین عقلانی عرفان این راه را تسهیل کرده است.

توحید در فلسفه صدرا سبب تشنگی عالمان می‌شود

عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) تصریح کرد: نگاه هستی‌شناسانه صدرا سبب شده است که بحث را با اصالت وجود شروع کند و به تشکیک برساند و به وحدت شخصی ارتقا دهد؛ نفس این اندیشه، خداوند را با غلظت شدید، ثقل عالم قرار می‌دهد و اگر فلسفه صدرا هیچ چیزی جز این نداشت مایه تشنگی برای افراد بود؛ نوع نگاه صدرا به کل عالم هستی و نسبت آن با خداوند و بحث وجود، دقیق‌ترین تفسیر از حقیقت بندگی ارائه می‌دهد و از دل همین اندیشه، سلوک بیرون می‌آید.

وی اضافه کرد: اندیشه‌های هستی‌شناسانه صدرا و انسان‌شناسی او که در کار مشاء (فلسفه مشاء) وجود دارد و در فلسفه اشراق غنی‌تر شده، در حکمت ملاصدرا حد و حصر شده است و اگر کسی این را بفهمد لاجرم به سمت سعادت پیش خواهد رفت.

استاد حوزه علمیه اظهار کرد: فضای دیگر فضای معرفت‌شناسانه صدراست که به لحاظ روش‌شناسی صحت گذاشتن بر شهود و شهود را از منظر فلسفه تبیین و تصویر کردن است. از منظر وی سلوک شهودی داشتن بر کار مفهومی ارجحیت دارد. ما در مواجهه با اندیشه ملاصدرا با فلسفه‌ای روبه‌رو هستیم که تمام چیزی را که در سنت عرفانی داشتیم به صورت فلسفی بر سر سفره عارفان آورده است و فرهیختگان و علما را درگیر خود کرده است. مثلاً سیدشریف تلاش کرد که وحدت شخصیت درست کند، ولی از پس آن برنیامد و وقتی صدرا این کار را کرد، حاصل عرفان نظری را بر سفره عرفان عملی آورد. تاثیر اندیشه ملاصدرا بر نحله‌های معنویت‌گرا

در ادامه حجت الاسلام علی امینی نژاد گفت: بعد از صدرالمآلهین نحله‌های معنویت‌گرایی در کشور بسیار تحت تأثیر اندیشه ملاصدرا قرار گرفتند؛ مثلاً مکتب نجف از حیث اندیشگانی و مباحث ناظر به فضای اصلاح نفس و تحولات درونی کاملاً تحت تأثیر فلسفه صدرای و عرفان نظری با قرائت صدراست. بیان علامه طباطبایی نشان می‌دهد که ذهن ایشان معطوف به فلسفه صدرای است؛ او نوشته است که فلسفه صدرای ذاتاً توان سلوک برای انسان می‌آورد و مسیر و جزئیات مسیر سلوک و تربیت را به انسان نشان می‌دهد. اگر کسی خیالی به او دست داد و به عالم مثال سرک کشید، فکر نمی‌کند آخر مسیر است، زیرا با فلسفه صدرا می‌داند انتهای مسیر کجاست.

استاد حوزه علمیه اظهار کرد: فلسفه صدرا انسان را از کثرت با حکومت فلسفه عقل صدرا برای به تدریج به سمت وحدت سوق می دهد. مبنای اصلی سلوک در مکتب نجف تمرکز بر نفس شناسی صدرا است و مؤلفه های متعددی وجود دارد که سلوک را تبیین می کند و آغاز و انتها و مسیر سلوک را نشان می دهد.

ارسال/ ملاصدرا سازگاری دلنشینی بین وحی و عقل و عرفان ارائه کرده است

امینی نژاد تصریح کرد: غنای عظیمی در فلسفه صدرا برای تبیین در حوزه تربیت معنوی و سلوکی و... است. صدرا در علم النفس بر مسائلی تمرکز کرده که ایده های عالی به انسان داده است و می تواند در حوزه های تربیت تحول ایجاد کند. الان به سبب انقلاب و مواجهه با مدرنیسم پرسش هایی از سوی بشر امروز بیان شده و باید مبتنی بر فلسفه صدرا برای به این پرسش ها جواب دهیم البته در مسائلی که مبتلا به اندیشمندان ما در حوزه های متعدد بوده است، فلسفه صدرا برای تاکنون هم امتداد اجتماعی و سیاسی خود را به خوبی نشان داده است. تبدیل تخیلات شعری به عقلی در فلسفه صدرا

امینی نژاد با بیان اینکه ابن سینا وقتی با داده های عرفانی برخورد می کند، آن را به صورت شعر می بیند، افزود: الان در بسیاری از مراکزی که روی سلوک کار می کنند، گزاره های شعارگونه می بینیم. کسانی که آنجا هستند اگر بخواهند بیندیشند نهی می شوند، زیرا سؤالاتی برای آنها پدید می آید؛ این موارد در فلسفه صدرا برای تخیلات شعری به مبنای عقلانی و هستی شناسانه تبدیل شده و آنچه را تخیل شعری می دانستند به نحو عقلی و فلسفی درباره اش بحث شده است و بعد از صدرا شاهد نزاع عقل و عشق و حکمت و عرفان نیستیم.

وی با بیان اینکه در سنت غربی بین حوزه های مختلف شناختی تناقض وجود دارد و عقل یک راه و دل یک راه دیگر و وحی راه دیگری را پیشنهاد می دهد، گفت: کسی که سنت وحیانی را در پیش بگیرد، باید ایمان بیاورد و نباید کاری به داده عقل و شهود عرفان داشته باشد. این امر در غرب آسیب بسیار بزرگی است، زیرا کسی که می خواهد مسیر معنوی را طی کند همواره بین عقل و عرفان و تناقض آن گرفتار است. این فضا در سنت تا حدودی به لحاظ تاریخی وجود داشت و گاهی احساس می شود که راه عرفان و فلسفه و وحی از هم جداست، ولی هر قدر جلوتر آمدیم به خصوص با ظهور صدرا، احساس وحدت بیشتری می کنیم و او یک تلائم دلنشین از فضای وحی، عقل، کشف و عرفان را ارائه کرد. مواجهه ملاصدرا با محی الدین عربی

استاد حوزه تأکید کرد: نوع برخورد ملاصدرا با مباحث محی الدین عربی جالب است، زیرا عمده مباحثش را قبول دارد، ولی به راحتی گفته که چون او بر عرفان تمرکز کرده گاهی از مباحث عقلی غفلت کرده و در این مسیر دچار خطا شده است. نباید با وحدت وجود ساده انگارانه برخورد کنیم؛ این مسئله یکی از دقیق ترین معارف وحیانی است که بشر می تواند آن را درک کند و ایشان توانست آن را به صورت عقلی تبیین کند. او تبیین کرد که هیچ تنافی در نسبت وحدت و کثرت وجود ندارد و سازگاری جدی و عمیقی با آموزه های مختلف دینی وجود دارد.

امینی نژاد اظهار کرد: بعد از ملاصدرا سنت معنوی ما این مشکلات را ندارد و عرفای فیلسوف و فیلسوفان عارف را سراغ داریم؛ یعنی هر دو جنبه در یک شخصیت بروز دارد. صدرا احساس استقلال نسبت به خدا را از مهالک می داند، مانند آنچه برخی با عنوان خدای ساعت ساز مطرح کردند. از دید ایشان نباید نسبت خلق عالم و خدا را مانند نسبت بنا و بتّا (سازنده) بدانیم که اگر بتّا مُرد بتّا باقی است. اگر چنین فکری را بپذیریم، حقیقت دعا و توکل و تفویض در وجود انسان جاری نخواهد شد و تعامل چنین افرادی با چنین تفکری با تربیت و سلوک و معاد و توحید به انحراف خواهد رفت.